

# بررسی مبانی نظری تقریبی امام خمینی رحمته الله علیه و مولانا مودودی\*

سیدحسن مهدی کاظمی\*\*

## چکیده

اهمیت تقریب مذاهب و وحدت اسلامی برای کسانی که در صحنه اجتماعی حضور دارند، پوشیده نیست. علمای بزرگ اسلام از جمله امام خمینی رحمته الله علیه و مولانا مودودی، در این راه سعی فراوان کرده‌اند. با بررسی آثار آنها درمی‌یابیم که این امر از مبانی قوی نظری ایشان نشأت گرفته است. در این مقاله مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی از منظر دو شخصیت مذکور بررسی می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که اگر چه آنان تا حد زیادی در مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی مشترک‌اند ولی در فروع، اختلاف نظر جدی دارند.

واژگان کلیدی: تقریب مذاهب، وحدت اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه، مولانا مودودی، مذاهب

اسلامی، تفرقه.

\* تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۲۰ تاریخ تأیید: ۸۸/۱۰/۱۰

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان و مذاهب اسلامی، جامعه‌المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی

امام خمینی رحمته الله علیه، قم.

## مقدمه

تقریب مذاهب و وحدت اسلامی امروزه یکی از مهم‌ترین مباحثی است که دانشمندان مسلمان به آن توجه کرده‌اند و علت آن برای کسانی که دلشان برای امت بزرگ اسلامی می‌سوزد، پنهان نیست. مشکلات درونی جهان اسلام از یک طرف و تفرقه‌افکنی‌های بیگانگان از طرف دیگر، مباحث تقریب مذاهب و وحدت اسلامی را به امر حیاتی برای پیکره جهان اسلام تبدیل می‌کند.

عالمان بزرگ شیعه و سنی و اندیشمندان تقریبی، تلاش‌های بسیاری در این باره انجام داده‌اند. از فتاوای شجاعانه تا سخنرانی‌های واقع‌بینانه، در هر میدانی قدم گذاشته‌اند. در مقابل آنها عناصر ضدتقریبی در میان شیعه و سنی، با به‌وجود آوردن برخی از دیدگاه‌های افراطی، موانع بزرگی را در تحقق این آرمان بلند ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل، لازم است در این مسیر، تلاش خودمان را در زمینه‌های گوناگون افزایش دهیم که یکی از آنها آشنا کردن امت اسلامی با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبران جهان اسلام است. با در نظر داشتن این هدف، دیدگاه‌های دو شخصیت بزرگ جهان اسلام، به‌عنوان نماینده از هر دو مذهب شیعه و سنی نسبت به تقریب مذاهب، در این مقاله بررسی می‌شود که این دو شخصیت عبارت‌اند از: امام خمینی\* و مولانا مودودی.

امام خمینی\* به‌عنوان مصلح و احیاگر اسلام در قرن حاضر، به مسئله تقریب مذاهب عنایت خاصی کرده است و آن را زیرعنوان وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان مطرح کرده است. ایشان برای تحقق آن، گام‌های اساسی برداشتند و وحدت را ضرورتی عقلی و شرعی برای جامعه اسلامی برشمردند.

اگر سخنان امام خمینی\* و اقدامات سیاسی و اجتماعی ایشان را با دقت بررسی کنیم، درمی‌یابیم که ایشان وحدت را نه فقط صرفاً یک توصیه اخلاقی و یک ارزش فرهنگی و اجتماعی مطرح کرد، بلکه بزرگ‌ترین راهبرد و بهترین روش سیاسی برای قدرتمند شدن جوامع اسلامی در مقابله با دشمنان و قد غلم کردن در برابر تجاوزگران نیز محسوب می‌کرد:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی، در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمانان است. اتحاد ممالک اسلامی است. برادری با جمیع فرق مسلمانان است در همه نقاط عالم. هم‌پیمانی با همه دول اسلامی در

طرح

سال هشتم - شماره ۳۱ - بهار ۱۳۸۹

۱۶۸

سراسر جهان مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب.<sup>۱</sup> پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان غیرعرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید. شما با داشتن ذخایر مادی که از حساب افزون است و از همه آنها مهم‌تر ذخیره الهی و معنوی که اسلام است، می‌توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت‌ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این‌گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزتان را غارت کنند.<sup>۲</sup>

حضرت امام خمینی<sup>ره</sup>، تقریب مذاهب و وحدت اسلامی را یک عنصر لازم برای پیکر جهان اسلام تلقی می‌کرد و آن را یکی از اهداف نهضت اسلامی می‌دانست. به همین دلیل، ایشان حاضر نبود نهضت اسلامی ایران را به ایران محدود کند، بلکه آن را مقدمه برای نهضت اسلامی جهانی معرفی کرد:

البته همه مسلمانان در این نهضت شرکت داشتند و این نهضتی بود که هدفش اسلام بود، نه فقط برای ایران، منتها نقطه ابتدا از ایران است و همه مسلمانان در این هدف شریک هستند و نهضت برای اقامه عدل است که باید بگویم همه بشر در آن شرکت دارند و چون برای اقامه اسلام است، همه مسلمانان در آن شرکت دارند. بنابراین، لازم است که همه مسلمانان با هم یک صدا در این نهضت عظیم اسلامی شرکت بکنند و آن معنایی که در ایران تحقق پیدا کرد که آن حقیقت فداکاری در راه اسلام و وحدت همه اقشار ملت برای پیشرفت مقاصد اسلام، این در همه ملت‌ها ان شاءالله حاصل بشود و اگر چنانچه همچو وحدت کلمه‌ای با یک همچو مقصد بزرگی که اقامه عدل است در این کشورها، در کشورهای پهناور اسلام پیدا بشود، قدرت عظیمی است که هیچ قدرت و ابرقدرتی در مقابل او ایستادگی نمی‌تواند بکند.<sup>۳</sup>

از مطالعات آثار مولانا مودودی نتایج کلی که به دست می‌آید، شاهد بر این است که بیشتر صحبت‌های وی نسبت به اصول و اخلاق دین اسلام است و مسلمانان جهان را مورد خطاب خویش قرار می‌دهد و هیچ‌گاه نسبت به مذاهب دیگر تعصب نشان نمی‌دهد.

مولانا مودودی خودش را چنین معرفی می‌کند:

من همیشه سعی کردم که دین را به‌جای اینکه از اشخاص حال یا ماضی بفهمم، از قرآن و سنت درک کنم. به همین خاطر من هیچ وقت برای اینکه بدانم انتظار دین از من و هر مؤمن چیست، به صحبت‌های فلان عالیم و یا اینکه آنها چه می‌کنند، رجوع نمی‌کنم، بلکه سعی می‌کنم که ببینم قرآن چه گفته است و رسول<sup>ص</sup> چه کرده است.<sup>۴</sup>

ایشان بر همین مبنا دیگران را به اسلام و نهضت اسلامی دعوت می‌کند:

شما ببینید آیا دعوت قرآن همین است که من شما را به آن دعوت می‌کنم و روش انبیا علیهم‌السلام همان بوده است که من به شما معرفی می‌کنم. اگر از قرآن و سنت همین ثابت شود و قرآن و سنت نزد شما حقیقتاً سبب هدایت باشند، در این صورت حرف من را گوش کنید و همراه من بیایید و اگر در این دعوت و روش کار چیزی یافت می‌شود که از قرآن و سنت انحراف پیدا کرده باشد، بدون تعارف آن را آشکار سازید. وقتی این انحراف بر من و رفقای من منکشف می‌شود، شما می‌بینید که ان‌شاءالله ما لحظه‌ای تأمل نمی‌کنیم که به حق رجوع کنیم.<sup>۵</sup>

حضرت امام خمینی رحمته‌الله دربارهٔ این شخصیت بزرگ شبه قاره هند، فرمود:

فکر اسلامی مولانا مودودی در همهٔ جهان نهضت اسلامی را برپا کرده است. وی نه فقط برای پاکستان، بلکه برای کل عالم اسلامی رهبری دینی بود.<sup>۶</sup>

وقتی کسی دربارهٔ اختلاف میان علما نسبت به نظریه‌های مذهبی‌اش گلاویه کرد، ایشان روش خود را توضیح داد:

اسامی بزرگان که شما آوردید و اسامی کسانی که شما نیاوردید، اختلافات شدیدی میان آنها نسبت به مسائلی وجود دارد که من هم نسبت به اکثر آن مسائل نظری دارم و لامحاله من با بعضی‌ها موافقم و با بعضی دیگر مخالف. من کسی که نظرش درست است او را تأیید می‌کنم و کسی که اشتباه می‌کند او را تصدیق نمی‌کنم و دیگر راجع به نظر وی حرفی نمی‌زنم و هیچ حکمی بر آن تحمیل نمی‌کنم و نه بحثی را مطرح می‌کنم که از گفت‌وگوی فلان شخص، فلان معنا به دست می‌آید و نمی‌گوییم که این کفر یا فسق یا ضلالت است. لذا فلان شخص ضال و مضل یا کافر و یا فاسق است.<sup>۷</sup>

وقتی فردی از ایشان دربارهٔ انتقال از یک مذهب به مذهب دیگر پرسید، ایشان بدون هیچ ابهام، جواب دادند:

۱۷۰

نزد من انتقال از یک مذهب فقهی به مذهب فقهی دیگر، فقط در آن صورت گناه است که این فعل بنا بر هوای نفسانی انجام شود، نه بنا بر تحقیق.<sup>۸</sup>

ایشان میان اعضای حزب خویش، چندین بار این مطلب را توضیح داده بود که ارکان حزب در پیروی از هریک از مذاهب فقهی آزادند و هیچ کس حق ندارد دربارهٔ مسائل فقهی و مذهبی، مخالفت یا تعصب نشان دهد. ایشان در ضمن جواب دادن به یک پرسش، گفتند:

من یک بار دیگر این را با الفاظ روشن بیان می‌کنم که در این حزب برای مسلمانان اهل حدیث، احناف، شوافع و پیروان مذاهبی که مانند این هستند، عمل کردن به مسلک فقهی خودشان آزاداند، به شرط اینکه آنها نسبت به هیچ‌کس از این مذاهب متعصب نباشند و این اختلافات را وسیله گروه‌بندی و مغایرت قرار ندهند. شخصی که برای یک مذهب فقهی خاص متعصب باشد و پیروان مذهب خویش را دوست داشته باشد و از دیگران تنفر دارد و حنفی، شافعی و یا اهل حدیث بودن را جرم تلقی می‌کند، در حزب ما هیچ جایی ندارد.<sup>۱</sup>

وی از اختلافات مذهبی خوشش نمی‌آمد و نامه‌هایی که درباره اختلافات فرقه‌ای برایش ارسال می‌شد، خیلی تحویل نمی‌گرفت و در جواب با سبک علمی می‌گفت که به‌جای این تنازعات، لازم است به اصل دین پرداخته شود و طبق گفته یکی از یاران نزدیکش - مولانا نعیم صدیقی - (که گفت):

هیچ وقت یادم نمی‌آید که در همه مکاتبات وی، مولانا (مودودی) کسی را تکفیر یا تفسیق کرده باشد! یا حتی زجر و توبیخ غیرعالمانه‌ای کرده باشد.<sup>۱۰</sup>

### تعریف مسئله

اگرچه مردم، تقریب مذاهب و وحدت اسلامی را در یک معنا قرار می‌دهند، ولی طبق تعریف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از این دو، میان تقریب مذاهب و وحدت اسلامی فرق است.

### الف) تقریب مذاهب

یعنی نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت از یکدیگر، برای دستیابی به اخوت دینی، براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی.<sup>۱۱</sup>

### ب) وحدت اسلامی

یعنی همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی، براساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و به‌کارگیری موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالی‌امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هریک از مسلمانان، به مذهب خود.<sup>۱۲</sup>

از تعریف این دو اصطلاح به‌دست می‌آید که تقریب مذاهب نوعی مقدمه است برای وحدت اسلامی.

## ج) مذاهب اسلامی

آن دسته از مکاتب فقهی معروف اسلامی‌اند که نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت دارند.

از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مذاهب فقهی به رسمیت شناخته شده عبارت‌اند از: حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از اهل سنت و مذاهب: اثنا عشری، زیدی و بهره از شیعه و مذهب اباضی.<sup>۱۳</sup>

ان شاءالله در این مقاله، مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی دو شخصیت بزرگ معاصر جهان اسلام؛ یعنی «امام خمینی» و «مولانا مودودی» بررسی می‌شود.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از اهداف اساسی امروز، وحدت دنیای اسلام است که اگر این وحدت حاصل شود، دنیای اسلام می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست یابد. اگر در حوادث و مسائل جهانی با دقت بنگریم، به‌روشنی درمی‌یابیم که دشمنان اسلام می‌خواهند دشمنی خود را از راه ایجاد تفرقه، به بهانه‌های مختلف، از جمله قومیت، مذهب و... و ایجاد فاصله میان ملت‌ها و جوامع گوناگون مسلمان، اختلافات مذهبی را بزرگ جلوه دهند و جنگ شیعه و سنی را در هر نقطه از دنیا که ممکن باشد، به‌وجود بیاورند؛ از جمله در عراق، افغانستان، پاکستان، لبنان و هر جای دیگر که بتوانند. آنها در تلاش‌اند و می‌خواهند میان شیعه و سنی تفرقه ایجاد کنند و از این راه به اهداف شوم خود برسند.

جامعه پاکستان که بیش از ۹۵ درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، در عصر حاضر نسبت به وحدت ملی و انسجام اسلامی مشکل جدی دارند. در این اوضاع لازم به نظر می‌رسد که پیام وحدت و تقریب مذاهب به اقضا نقاط این جامعه اسلامی رسانده شود و این پیام وقتی دربرگرفته از دیدگاه‌های دو شخصیت بزرگ شناخته شده این جامعه - امام خمینی و مولانا مودودی - دارای نمایندگی از هر دو مذهب (اهل سنت و تشیع) باشد، اثر دوچندان به پیروان این دو شخصیت بزرگ جهان اسلام می‌گذارد.

مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی، از دیدگاه امام خمینی

تقریب و وحدت، یکی از مؤلفه‌های اساسی و بنیادین اندیشه سیاسی امام محسوب می‌شود و ایشان یکی از منادیان بزرگ وحدت در جهان اسلام بوده است. از این جهت، در بیانات و نظرات

طهری

سال هشتم - شماره ۳۱ - بهار ۱۳۸۹

۱۷۲

خود مبنی بر ضرورت اتحاد مسلمانان و جلوگیری از تفرقه تأکیدهای فراوانی کرده‌اند. بررسی آثار امام خمینی<sup>۳</sup> بیانگر این مطلب است که تأکید بر تقریب و وحدت در آثار ایشان، از مبانی نظری قوی ریشه می‌گیرد که عبارت‌اند از:

### ۱. دستورات دینی

امام خمینی<sup>۳</sup> به‌عنوان یک فقیه، دستورات دین اسلام را منشأ حقیقی وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب می‌دانست که این موضوع را بدون هیچ مشکلی، از نظریات و سخنرانی‌های وی می‌توان دریافت:

باید تعلیمات اسلام را گرفت و همان‌طوری که اسلام دستور داده است که همه مؤمنان در همه‌جا برادر هستند و امر کرده به اینکه اعتصام به حبل‌الله بکنید و متفرق از هم نشوید و دستور داده است به اینکه تنازع با هم نکنید والا فُشَل می‌شوید.<sup>۱۴</sup>

### ۲. «لا اله الا الله» محور اتحاد مسلمانان

امام خمینی<sup>۳</sup> کلمه توحید را به‌عنوان محور اتحاد مسلمانان معرفی کرده است و معتقد بود که در سایه پرچم کلمه توحید، همه دشمنان اسلام را می‌توان شکست داد. ایشان در یکی از سخنرانی‌ها، می‌فرماید:

اگر مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ کنند و از اختلاف و تنازع که مایه شکست آنهاست دست بکشند، در سایه پرچم لا اله الا الله از تجاوز دشمنان اسلام و جهان‌خواران مصون خواهند شد و دست شرق و غرب را از بلاد عزیز مسلمانان قطع خواهند کرد.<sup>۱۵</sup>

### ۳. تعلیمات قرآن

امام<sup>۳</sup> با استناد به آیات، همه را به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب فرامی‌خواند و عقد اخوت را یک دستور الهی می‌داند که باید میان مذاهب اسلامی گسترش یابد و آنچه باعث از بین رفتن و سست شدن این محبوب الهی شود را مبعوض شرع تلقی می‌کند و می‌فرماید:

پیامبر اسلام عقد اخوت میان مسلمانان را در صدر اسلام اجرا کرد و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۱۶</sup> اخوت میان همه مؤمنان برقرار شد. مسلمانان مأمورند به دوستی و مواصت و نیکویی به یکدیگر و موَدت و اخوت و معلوم است آنچه باعث ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصت و اخوت را بگسلد و تفرقه در میان جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ او است.<sup>۱۷</sup>

ایشان وحدت مسلمانان و منع از اختلاف را از مسائل مهم قرآن معرفی می‌کند و اطاعت از تعلیمات قرآن را حل‌کننده مشکلات مسلمانان تلقی می‌کند و عدم رعایت آن را باعث مشکلات می‌داند:

از مسائل مهم سیاسی قرآن، دعوت به وحدت و منع از اختلاف است؛ با تعبیرهای مختلفی در قرآن کریم هست، منع تنازع میان مسلمانان و سران مسلمانان که نکته‌اش را هم فرموده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۱۸</sup> ما بررسی کنیم به اینکه آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلام است، در میان مسلمانان چه وضعی دارد، آیا مسلمانان به این دو اصل اعتنایی کرده‌اند؟ و آیا تبعیت کرده‌اند؟ از این دو اصل مهمی که اگر اطاعت از آن بکنند، همه مشکلات مسلمانان حل می‌شود و اگر اطاعت نکنند فشل می‌شوند و رنگ و بوی‌شان از بین می‌رود؟<sup>۱۹</sup>

یکی از آیاتی که حضرت امام<sup>ع</sup> در بیانات و توصیه‌های خود، بارها به آن استناد و استشهاد کرده است و در تفسیر آن، همه را به وحدت فراخوانده‌اند، آیه معروف سوره آل عمران (آیه ۱۰۳) است. ایشان می‌فرمایند:

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: «واعتصموا بحبل الله». اجتماع، ولی اجتماع با تشبث به حبل‌الله. هر اجتماعی مطلوب نیست. «واعتصموا بحبل الله» مطلوب است. همان است که «اقراء باسم ربک»<sup>۲۰</sup> اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند.<sup>۲۱</sup>

#### ۴. دعوت انبیاء<sup>ع</sup>

امام<sup>ع</sup> معتقد بود که همه انبیاء<sup>ع</sup> از اول تا پیامبر خاتم، همه مردم جهان را به برادری و اخوت دعوت کرده‌اند:

پیامبرها که از اول تا خاتم‌شان آمده‌اند مردم را به برادری، دوستی و اخوت دعوت کنند.<sup>۲۲</sup>

ایشان از احادیث پیامبر اسلام<sup>ص</sup> هم استفاده کرده است تا مسلمانان جهان را به وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب متوجه سازد و می‌گفت: پیامبر اسلام<sup>ص</sup> به‌خاطر اهمیت زیادی که به این امر داشتند، عقد اخوت میان مسلمانان را در همان صدر اسلام اجرا کرده بودند.<sup>۲۳</sup> وی معتقد بود که طبق حدیث پیامبر اسلام<sup>ص</sup>: «یدالله مع الجماعة»،<sup>۲۴</sup> خدای تبارک و تعالی با جماعت است<sup>۲۵</sup> و اینکه رمز پیروزی مسلمانان در متحد شدن آنها علیه دشمنان است:

طاهر



وقتی دست به دست هم دادیم و همه شدیم «ید واحده علی من سواها»،<sup>۲۶</sup> همان طور که فرمودند که اینها دست واحد هستند بر سوایشان، اگر دست واحد شدیم برای (من سواها)، هیچ کس نمی تواند به ما ضرری بزند.<sup>۲۷</sup>

#### ۵. سیره ائمه اطهار

امام خمینی در باره برخورد با پیروان مذاهب اسلامی، سیره ائمه اطهار را به عنوان الگو معرفی می کند. ایشان از سیره عملی امام علی به خصوص از دوره ۲۵ سالگی از زندگی ایشان، بعد از رحلت پیامبر اسلام، نکات زیادی را برای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب بیان می کند؛ مانند همکاری با خلفا، شرکت امام علی در نماز آنها به واسطه مصالح عالیة اسلام، حفظ آرامش در مدتی که میان دسته جات اختلاف بود، فرستادن فرزندان به جنگ برای موافقت کردن با مصالح اسلامی و اجتناب از معارضه و مشاورت جنگی برای آنان.<sup>۲۸</sup> ایشان فرمود:

بعد از رسول الله هم که مدت های طولانی ملت ها از قیادت ایشان محروم ماندند، ایشان باز کنار نبود. ایشان باز برای حفظ مصالح مسلمانان همراه بود، صبر می کرد، ولی اصلاً هیچ وقت اظهار چیزی نمی کرد. با آنها مخالفت نمی کرد. بعد از اینکه آنها متکفل امور بودند، ایشان اهل مشورت آنها بود. راهنمایی می کرد. فرزندانش را می فرستاد به جنگ.<sup>۲۹</sup>

امام برادران اهل سنت و همچنین اهل تشیع را متوجه می ساخت که علت اصلی اختلافات میان مذاهب اسلامی، دوری و عدم پیروی از سنت پیامبر اسلام و سیره ائمه اطهار است:

مسئله اختلاف میان پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه اش از صدر اسلام است. در آن وقت، خلفای اموی و خصوصاً عباسی، در صدد بودند که اختلاف ایجاد کنند. مجالس درست می کردند و [به اختلاف] دامن می زدند. این اختلاف کم کم اسباب این شد که در میان عوام از اهل سنت و عوام از اهل شیعه این تنافس پیدا شد، و گرنه نه عوام اهل سنت به سنت رسول الله عمل کرده و می کنند و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه اطهار کرده اند. ائمه اطهار ما کوشش کردند تا اینها را داخل در آن جمعیت کنند. با آنها نماز بخوانند. به تشیع جنازه های آنها برونند. زمان کم کم آمد به این طرف و قدرتمندان این کار را کردند برای اینکه این دو طایفه با هم سرگرم باشند و خودشان هر کاری می خواهند بکنند.<sup>۳۰</sup>

#### ۶. وحدت و اخلاق اسلامی

امام وحدت اسلامی را به عنوان یکی از امور مهم اخلاق اسلامی معرفی کرد و اشاره کرد که موفقیت های ملت ایران به خاطر مجهز بودن به این امر مهم اخلاقی بوده است. ایشان فرمود:

شما اگر خودتان را حفظ نکنید و اگر اخلاق اسلامی در شما نفوذ نکند و همه توجه به این مسائل داشته باشید که از اخلاق اسلامی، یکی از امور مهمش قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است، همه با هم بودن است و تا حالا هم ما هرچه پیشرفت کرده‌ایم از این معنا بوده. تاکنون این جمهوری اسلامی از اول که انقلاب پیدا شده، چه در آنجایی که قطع ریشه‌های فساد را کردند و از بین بردند، تا آنجایی که در امور کشور کارسازی کردند، بازسازی کردند، در اثر این وحدتی بوده است که اینها داشتند که یکی از اخلاق‌های اسلامی است.<sup>۳۱</sup>

وی معتقد بود که احکام اخلاقی اسلام، هم احکام سیاسی و هم احکام اجتماعی‌اند و این حکم اخلاقی اسلام درباره وحدت، یک حکم سیاسی و یک حکم اجتماعی هم بوده است. ایشان فرمود:

اسلام، احکام اخلاقی هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنان برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است. یک حکم اجتماعی است. یک حکم سیاسی. اگر مؤمنان طوایف مختلفه‌ای که در اسلام هستند و همه مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام ﷺ هستند، اینها با هم برادر باشند، همان طوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند، علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است، نتایج بزرگ اخلاقی دارد. یک حکم بزرگ اجتماعی و نتایج بزرگ اجتماعی دارد.<sup>۳۲</sup>

## ۷. مبانی عقلی

حضرت امام<sup>۳</sup> در بیانات و تألیفات خود، علاوه بر دلیل از قرآن و حدیث و... به ضرورت عقلی وحدت و تقریب مذاهب در جامعه اسلامی اشاره می‌کنند و از همه مسلمانان از هر مذهبی که باشند، می‌خواهند دست به دست هم بدهند و برای عظمت اسلام و تقویت جهان اسلام قدم بردارند؛ زیرا اگر خطری هست، برای همه است و اگر دشمن درصدد تضعیف اسلام و مسلمانان است و می‌خواهد معادن و سرمایه‌های کشورهای اسلامی و جهان اسلام را ببرد، میان شیعه و سنی هیچ فرقی قائل نیست و میان مذاهب اسلامی تفاوتی نمی‌گذارد و سرمایه همه را می‌برد:

قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند و شماها دعوت به تفرقه و مقابله با هم. باید عقل را پیشوای خودتان قرار بدهید و اسلام را مقتدای خودتان قرار بدهید و در مقابل اسلام همه خاضع باشید و به حکم عقل عمل کنید و عقل و اسلام می‌گوید شما با هم متحد باشید و اگر متحد باشید، هیچ کشوری به شما نمی‌تواند تعدی کند، اسرائیل جرأت

به خودش نمی‌دهد که در این کشورها باقی بماند و در زمین‌های  
غصبی باقی بماند، اگر شما با هم باشید.<sup>۳۳</sup>

## ۸. مشروعیت اجتهاد

امام علیه السلام از اینکه قائل بود که اسلام با رسمیت شناختن اجتهاد در چارچوب منابع اصلی اسلامی اختلافات فکری را پذیرفته است، نه فقط اختلافات اجتهادی را امری طبیعی قلمداد می‌کرد و به رأی دیگران احترام می‌گذاشت، بلکه از این اصل اجتهاد بیشترین استفاده را می‌کرد که مردم را به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب دعوت می‌کرد. ایشان در بیانات خودشان به این مطلب تصریح می‌کردند که ولو اینکه شما پیروان مذهب خاصی هستید، ولی بالأخر مسلمانید و از این جهت با هم برادرید:

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی. یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق علیه السلام را عمل کردند، اینها شدند شیعه.

اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف میان ما فقط به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا فرق دیگر. آنها می‌خواهند نه این باشد، نه آن. راه را این طور می‌دانند که میان شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم.<sup>۳۴</sup>

ممکن است برداشت‌های اشخاص با ما مخالف باشد و ما باب اجتهاد را نمی‌توانیم ببندیم. همیشه اجتهاد بوده، هست و خواهد بود و حال آنکه مسائلی که امروز پیش آمده است، با مسائل سابق خیلی فرق می‌کند و برداشت‌ها از احکام اسلام مختلف است. ما نباید سر برداشت‌ها دعوا بکنیم.<sup>۳۵</sup>  
... اگر فرضاً اختلاف اجتهاد و نظری در امری جائز و ناجیز باشد، مثل بقیه اختلافات در امور فرعی، مانع از وحدت نظر در امور اصولی نیست ...<sup>۳۶</sup>

## مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی، از دیدگاه مولانا مودودی

بعد از مطالعه آثار مولانا مودودی نسبت به مسائل تقریب مذاهب، به راحتی نتیجه گرفته می‌شود که ایشان به تقریب مذاهب قائل است و شعارش تشکیل یک امت واحد مسلمانان در معنای حقیقی است و حتماً ایشان به یک سری مبانی نظری نسبت به تقریب مذاهب قائل بوده است که اکنون به این مبانی پرداخته می‌شود.

مولانا مودودی طبق قول خودش، تعلیمات قرآن و سنت را بدون واسطه، از منابع اصلی‌شان به دست آورده است. به همین دلیل، به جای اینکه اقوال و نظریات شخصیات را نقل کند، به طور مستقیم از قرآن و سنت صحبت می‌کند و این یکی از نکات قوی مبانی دینی اوست.

### ۱. «لا اله الا الله» کلمه ورود به اسلام

مولانا مودودی وقتی اسلام را تعریف می‌کند، آن را به اسلام قانونی و اسلام واقعی تقسیم می‌کند. اسلام واقعی آن است که به قلب و ایمان یک شخص تعلق دارد و در روز قیامت، خداوند طبق همین اسلام واقعی درباره آن شخص قضاوت می‌کند، ولی اسلام قانونی و فقهی عبارت است از قبول شفاهی دین اسلام و گفتن کلمه «لا اله الا الله». وقتی کسی این کلمه را بخواند و همچنین به پیامبر ﷺ و قرآن و آخرت و دیگر ضروریات دین، با زبان اقرار کند، وی در دایره اسلام داخل شده است و در همه معاملات، با آن شخص به عنوان یک مسلمان برخورد می‌شود و هیچ کس حق ندارد او را تکفیر کند یا نسبت به مسلمانی وی شک کند و همه کسانی که این کلمه را گفته‌اند، به یک امت اسلامی واحد تبدیل می‌شوند.<sup>۳۷</sup> ایشان درباره تکفیر، این اصول را بیان می‌کند:

من این را به طور قطعی درست نمی‌دانم که هر کس قائل به کلمه لا اله الا الله و محمد رسول الله باشد، به او مشرک گفته شود یا برخورد با او مانند مشرک باشد، ولو اینکه بعد از گفتن این کلمه، به سبب اشتباه در تأویل، عقیده یا عمل مشرکانه اتخاذ کرده باشد. ما به جای چسباندن القاب به او، با حکمت و استدلال سعی کنیم سوء تفاهم وی را رفع کنیم.<sup>۳۸</sup>

### ۲. تعلیمات قرآن

مولانا مودودی تأکید دارد که قرآن کریم خطابش را یا برای همه انسان‌ها عمومی کرده است و یا برای انسانی که دعوت اسلام را قبول کرده است، به عنوان مؤمن، مختص کرده است، ولی هیچ‌گاه نمی‌توان یافت که این کتاب، کشور، نژاد، رنگ یا طبقه خاصی از مردم را مورد خطاب

طرح

سال هشتم - شماره ۳۱ - بهار ۱۳۸۹

قرار داده باشد. از سوی دیگر، قرآن، مهرورزی، حُسن سلوک و دوستی با همهٔ انسان‌ها را بدون نگاه کردن به مذهبشان در شئون زندگی تعلیم می‌دهد. به همین دلیل، دعوت اسلامی جهانی است و هر انسانی که آن را می‌پذیرد، مؤمن شناخته می‌شود که نسبت به مؤمن دیگر، حقوق مساوی دارد.

همهٔ این صحبت‌های مولانا مودودی را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

#### الف) همهٔ انسان‌ها از یک اصل‌اند

در مرحلهٔ نخست، ایشان دعوت قرآن به همهٔ انسان‌ها را مطرح کرده است و توضیح می‌دهد که از لحاظ تعلیمات قرآن، همهٔ انسان‌ها از یک اصل‌اند و هیچ‌کس بر دیگری از لحاظ انسان بودن، برتری ندارد.<sup>۳۹</sup>

#### ب) ملت اسلام در مقابل ملت کفر

در این مرحله، ایشان فرق میان ملت اسلام و ملت کفر را بیان می‌کند و می‌گوید: کسانی که دعوت الهی توسط قرآن کریم و پیامبر اسلام ﷺ را قبول می‌کنند، همه می‌شوند یک ملت، به‌نام مسلمان و کسانی که آن دعوت را رد می‌کنند، آنها ملتی دیگر می‌شوند به‌نام کفار. ملتی که مسلمان است همه یک امت می‌شوند: «و کذالک جعلنکم امة واحدة».<sup>۴۰</sup>

#### ج) واژهٔ قرآنی برای ملت اسلام

در این مرحله، مولانا مودودی نسبت به استفادهٔ قرآن از واژهٔ خاص برای ملت اسلام، بحث جالبی مطرح می‌کند. ایشان می‌گوید: لفظ قوم، در زبان اردو برای ملت که معادلش در زبان انگلیسی (nation) است، استفاده می‌شود. در واقع، از اصطلاحات دوران جاهلیت است که در آن، تعصب نژادی، رنگی و وطنی یافت می‌شود و قرآن هیچ‌گاه برای ملت اسلام از این واژه استفاده نکرده است و به‌جای آن، واژه‌هایی مانند حزب‌الله (و در مقابل آن، واژهٔ حزب شیطان آورده است)، امت و جماعت آورده است و علتش فقط این است که در دین اسلام هیچ نوع تفرق و گروه‌گرایی به‌دلیل اختلافات نژادی، وطنی، رنگ پوستی، زبانی و مادی، رسمیت ندارد. در حالی که این تعصبات و اختلافات در حزب شیطان وجود دارد.<sup>۴۱</sup>

#### د) مسلمانان، یک ملت جهانی

بعد از دانستن این اصل همهٔ انسان‌ها و تقسیم شدن آنها طبق قبول یا رد دعوت قرآنی،

نوبت به مرحله‌ای می‌رسد که قرآن میان همهٔ مسلمانان یک رشته اخوت برقرار می‌سازد و آنان را به‌عنوان یک ملت جهانی یاد می‌کند.<sup>۳۲</sup>

### ه) خلافت الهی

در پایان، طبق نظریهٔ خلافت الهی مولانا مودودی، وظیفهٔ سنگینی بر دوش همهٔ مسلمانان و مؤمنان وجود دارد. ایشان بعد از ذکر آیهٔ ۵۵ سورهٔ النور: «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات یتستخلفنهم فی الارض...»، بیان می‌کند که استفاده از واژهٔ خلافت به‌جای حاکمیت، به این دلیل است که حاکمیت مخصوص خداست و کسی که حاکم بر زمین می‌شود، فقط کسی است که جانشین از طرف خدا باشد.<sup>۳۳</sup>

مولانا مودودی می‌خواهد اثبات کند هر شخصی به‌جای خودش مسئولیت سنگینی بر عهده دارد؛ مثل مسئولیت تقریب مذاهب و وحدت اسلامی.

طبر

### ۳. سنت پیامبر اکرم ﷺ

مولانا مودودی سنت پیامبر اکرم ﷺ را به‌عنوان الگوی خوبی برای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که هر کس تاسی درست از سنت پیامبر اکرم ﷺ انجام می‌دهد، نمی‌تواند از مسائل مربوط به تقریب مذاهب و وحدت اسلامی بیگانه باشد.

مولانا مودودی، تعداد زیادی از احادیث از سنت رسول خدا ﷺ را در این باره بیان می‌کند که مجال آوردن همهٔ آنها نیست. بنابراین، به‌طور نمونه برخی از آنان را ذکر خواهیم کرد. ایشان در کتابش بنام خلافت و ملوکیت، در ضمن باب مساوات بین المسلمین، می‌آورد:

المسلمون اخوه لا فضل لاحد علی احد الا بالتقوی.<sup>۳۴</sup>  
من شهد ان لا اله الا الله و استقبل قبلتنا و صلی صلواتنا و اکل ذیحتنا  
فهو المسلم له ما للمسلم و علیه ما علی المسلم.<sup>۳۵</sup>

ایشان در ضمن تفسیر آیهٔ «انما المؤمنون اخوه...»، احادیث ذیل را نقل می‌کند:  
از جناب عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله ﷺ گفت: دشنام دادن  
به مسلمان، فسق است و جنگیدن با او کفر.<sup>۳۶</sup>

از ابوهریره روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: جان و مال و عزت یک مسلمان بر هر  
مسلمان دیگر حرام است (مسلم، کتاب البرّ والصلوة).<sup>۳۷</sup>

#### ۴. سیره صحابه

مولانا مودودی یکی از علت‌های پیشرفت سریع دین اسلام میان قبایل عرب در اوایل اسلام را تبدیل شدن تنفر و گروه‌گرایی و اختلاف شدید به اُستی و دوستی و اُمت واحده می‌داند. ایشان تأکید داشتند که با تأسی از سیره صحابه، می‌توانیم به تقریب مذاهب و وحدت اسلامی دست یابیم و برای اثبات آن، سیره صحابه را معرفی می‌کند که وقتی نبی اکرم ﷺ، انصار و مهاجرین را برادر یکدیگر قرار دادند، آنها این برادری را از عمق جان پذیرفتند و حتی تا مدتی یکدیگر را در وراثت شریک می‌دانستند، تا اینکه خداوند متعال با نزول آیه،<sup>۴۸</sup> این توارث را تعطیل کرد. انصار زمین‌های کشاورزی و باغ‌های خودشان را به نصف تقسیم کردند و به مهاجرین هدیه دادند. جناب سعد بن ربیع انصاری به برادر دینی خودش عبدالله بن عوف، نه تنها نصف مال خانه‌اش را عطا کرد، بلکه یکی از خانم‌های خودش را طلاق داد و به نکاح برادر خودش درآورد و برای تمجید همه این ایثارها، خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «و یؤثرون علی أنفسهم ولو کان بهم خصاصة».<sup>۴۹</sup>

#### ۵. مشروعیت اجتهاد

مولانا مودودی اجتهاد را جایز می‌دانست و تأکید می‌کرد که کسانی که صاحب علم‌اند، نباید تقلید کنند و وظیفه خود را به‌طور مستقیم از قرآن و سنت مشخص کنند و در این مسیر، از تعصب گروهی یا فرقه‌ای اجتناب بورزند. ایشان مسلک خود در مورد اجتهاد و تقلید را به‌روشنی بیان می‌کند:

مسلک من این است که صاحب علم مستقلاً از کتاب و سنت حکم را معلوم کند و در این تحقیق و تفحص می‌تواند از آرای قوی علمای سلف کمک بجوید. همچنین در مسائل اخلاقی سعی کند بدون تعصب و همراه با سعه صدر تحقیق کند که اجتهاد کدام‌یک از ائمه مجتهدین، با اجتهاد کتاب و سنت بیشتر تطابق دارد. پس هر آنچه که به نظرش حق برسد، آن را پیروی کند. اگرچه من خودم نه مذهب اهل حدیث را با همه احکامش درست می‌پندارم و نه پای‌بند حنفیت یا شافعیتم هستم و هیچ لزومی ندارد که مذهب افرادی که در جماعت اسلامی شریک‌اند با مذهب من تطابق داشته باشند یا پیرو آن باشند. اگر آنها از تعصبات پاک باشند و حق را منحصر در گروه خودشان نمی‌بینند، آنها آزادند با ماندن در این جماعت (حزب) و با اطمینان خاطرشان به مذهب حنفی، شافعی، اهل حدیث یا دیگر مذاهب فقهی عمل کنند.<sup>۵۰</sup>

طبق نظر مولانا مودودی، هر کس شریعتی را که خداوند متعال به وسیله نبی خودش به ما رسانده است، از جانب خداوند متعال پندارد و آن را واجب التعمیل بداند، مسلمان است. اکنون اگر این شریعت را کسی طبق فهم خودش بفهمد و نفر دیگری به نحو دیگری و هر دوی آنها مطابق فهم خود عمل کنند، ولو فرق زیادی میان عمل آن دو باشد، هیچ کس از بندگی خارج نمی شود.<sup>۵۱</sup> ایشان می گوید:

در مسائل اجتهادی، ما همه مذاهب و مسالک را که شریعت آن را می پذیرد، بر حق تسلیم می کنیم و برای هر کس این حق را قبول داریم که در میان مذاهب و مسالک مختلف، به هر یکی که مورد اطمینان آنها واقع شود، می توانند عمل کنند. ما گروه گرایی را براساس یک مسلک اجتهادی خاص، قبول نداریم.<sup>۵۲</sup>

## طبرع جمع بندی

هر دوی این شخصیت های جهان اسلام، زندگی شان را برای سربلندی دین اسلام و اقامه حکومت اسلامی وقف کرده بودند. هر چند مولانا مودودی موفقیتی این گونه در این باره نداشت، ولی هر دوی آنها در بیداری جهان اسلام سهیم بوده اند. همچنین، آنها نسبت به مسائل تقریب مذاهب اسلامی، اهمیت فوق العاده ای قائل بودند و در این مباحث، مبانی داشتند که بیشتر آنها برای هر دو مشترک بوده است. این مبانی مشترک عبارت اند از:

۱. لا اله الا الله، محور اتحاد مسلمانان؛
۲. تعلیمات قرآنی؛
۳. سنت پیامبر اکرم ﷺ؛
۴. مشروعیت اجتهاد.

علاوه بر مسائل پیش گفته، امام \* در مبانی نظری تقریب از سیره ائمه اطهار ﷺ، اخلاق اسلامی و مبانی عقلی هم استفاده کرده اند و مولانا مودودی از سیره صحابه به عنوان مبانی بهره برده اند.



## پی نوشت‌ها:

۱. موسوی خمینی، روح‌الله، در جستجوی راه از کلام امام: جهان اسلام، دفتر پانزدهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۳۴.
۲. همان، ص ۱۴۶.
۳. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۶ ص ۱۲۴.
۴. مودودی، سیدابوالاعلی، دعوت اسلامی اوراسکا طریقہ کار، لاهور، اداره مطبوعات طلبہ، ۱۹۹۸م، ص ۳۸.
۵. همان، ص ۳۸-۳۹.
۶. مودودی، سیدابوالاعلی، راه خدا مین جهاد، لاهور، منصوره، ۲۰۰۳، سرورق داخلی.
۷. مودودی، سیدابوالاعلی، رسائل و مسائل، لاهور، اسلامک پبلیکشنز، ۲۰۰۰ م، چاپ سی ام، ج ۲، ص ۲۶۶.
۸. همان، چاپ سی و سوم، ج ۱، ص ۵۵.
۹. همان، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸.
۱۰. صدیقی، نعیم، المودودی، لاهور، الفیصل، ۱۹۹۸، چاپ پنجم، ص ۶۷.
۱۱. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۱۴. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۹۱.
۱۵. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۱۶. «همانا مؤمنان با هم برادرند»: حجرات: ۱۰.
۱۷. موسوی خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، ص ۳۱۰-۳۱۱.
۱۸. «هرگز راه اختلاف نبویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد»: انفال: ۴۶.
۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۶.
۲۰. علق: ۱.
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۷، ص ۲۲۹.
۲۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۸.
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، پیشین، ص ۳۱۰.
۲۴. دست خدا با جماعت است، صحیح ترمذی، ج ۹، ص ۱۰.
۲۵. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۵، ص ۱۴۳.

۲۶. «دست واحد در مقابل دیگران»، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۲۲.
۲۸. موسوی خمینی، روح الله، سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، چاپ دهم، ص ۲۴۴-۲۴۶.
۲۹. همان، ص ۲۴۵-۲۴۶.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، پیشین، ج ۶، ص ۹۴.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۱۱-۱۱۲.
۳۲. در جستجوی راه از کلام امام: جهان اسلام، دفتر پانزدهم، ص ۱۱۲.
۳۳. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۷۱-۲۷۲.
۳۴. همان، ج ۱۲، ص ۲۵۹.
۳۵. تبیان، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۵.
۳۶. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۲.
۳۷. مودودی، سیدابوالاعلی، خطبات، پیشین، ص ۱۰۳-۱۰۴.
۳۸. مراد، خرم، پیشین، ص ۱۸.
۳۹. مودودی، سیدابوالاعلی، تفهیم القرآن، لاهور، اداره ترجمان القرآن، ۲۰۰۲م، چاپ سی و چهارم، ج ۵، ص ۹۶-۹۷.
۴۰. بقره: ۱۴۳.
۴۱. مودودی، سیدابوالاعلی، اسلامی ریاست، لاهور، اسلامک پبلیکیشنز، ۲۰۰۶م، چاپ بیست و سوم، ص ۲۶۱-۲۶۷.
۴۲. مودودی، سیدابوالاعلی، تفهیم القرآن، پیشین، ج ۵، ص ۸۳-۸۴.
۴۳. مودودی، سیدابوالاعلی، اسلامی ریاست، پیشین، ص ۱۵۰-۱۵۱.
۴۴. ابن کثیر: به نقل از طبرانی، ج ۴، ص ۲۱۷.
۴۵. مودودی، سیدابوالاعلی، خلافت و ملوکیت، پیشین، ص ۶۵ و بخاری، کتاب الصلوة: باب ۲۸، ص ۴۶.
۴۶. بخاری، کتاب الایمان.
۴۷. مودودی، سیدابوالاعلی، تفهیم القرآن، پیشین، ج ۵، ص ۸۳-۸۴.
۴۸. انفال: ۷۵.
۴۹. حشر: ۹ و مودودی، سیدابوالاعلی، اسلامی ریاست، پیشین، ص ۲۴۹.
۵۰. مودودی، سیدابوالاعلی، رسائل و مسائل، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۹.
۵۱. مودودی، سیدابوالاعلی، خطبات، پیشین، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۵۲. مودودی، سیدابوالاعلی، هم جس طرف بلاتی هی، لاهور، منصوره، ۲۰۰۳م، ص ۲۸.

طبرانی

سال هشتم - شماره ۳۱ - بهار ۱۳۸۹

۱۸۴